



ساز و کار ارتباط دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با کشورها در جمع‌آوری دلایل



ابوالفضل علیزاده^۱؛ محمد زینالی^۲

چکیده

نظام حقوقی دیوان رویکردی نظام مند، شایسته و گسترده به مقتضی بودن تعقیب دارد. بر خلاف نظام‌های ملی تعقیب تنها در اختیار دادستان نیست، بلکه وظیفه مشترک دادستان و شعبه مقدماتی است. گرچه دادستان در عملکرد خود مستقل است ولی تصمیمات وی تحت نظارت شعبه مقدماتی قرار دارد. مسأله تعهد دولت‌ها به همکاری در حقوق بین‌الملل کیفری به دلیل موانع حقوقی و سیاسی موجود بر سر راه اعمال صلاحیت محاکم کیفری بین‌المللی در سطح ملی، پیوسته مورد توجه حقوق دانان بوده و مقدمه ضروری جهت اجرایی نمودن عدالت کیفری محسوب می‌شود. کشورهایی مانند سودان، آفریقای جنوبی و کنیا و سایر دولت‌های عضو اتحادیه آفریقا از جمله دولت‌هایی هستند که از همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی خودداری

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد تبریز

Abolfazlalizade001@gamil.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد تبریز

Zeynali20mohammad@gmail.com

نموده‌اند و همین امر موجب شده دیوان نتواند وظایف خود را به خوبی انجام دهد. همکاری‌ای که وجود آن در حوزه کشورهای غیر عضو نادر بوده است هرچند که دیوان معتقد است دولت‌های غیر عضو نیز باید در مواقعی که لازم می‌داند و از آن‌ها درخواست می‌نماید با دیوان همکاری کنند. در واقع مقاله حاضر به این موضوع می‌پردازد که دولت‌های عضو و غیر عضو با چه تعهدات و الزامات داخلی و بین‌المللی برای تنظیم رابطه خود با دیوان کیفری بین‌المللی مواجه هستند؟ روش تحقیق در پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: دیوان کیفری بین‌المللی، دادستانی، جمع‌آوری دلایل، تعهد دولت‌ها.

مقدمه و بیان مسأله

با تحولات بوجود آمده در حقوق بین‌الملل به ویژه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، کنار تعهدات منبعث از توافق اراده دولت‌ها، نوع دیگری از تعهدات بین‌المللی بر عهده دولت‌ها شناسائی گردیده است که مبنای الزام آور آنها با مبنای کلاسیک تعهدات، متفاوت می‌باشد. در این تعهدات، الزامات بین‌المللی دولت‌ها نه لزوماً بر اساس توافق، بلکه در راستای منافع جامعه جهانی و در پرتو اصل تعهد در برابر همه و تعهدات عام الشمول شکل گرفته و بر اساس این تعهدات، حاکمیت‌ها در رعایت مقررات مزبور، دارای مسئولیت در برابر همه تلقی گردیده‌اند. این تعهدات در صورت وجود دامنه‌های مشخص و مرزهای روشن، واجد رژیم خاص حقوقی منبعث از مقررات حقوق معاهدات و یا رژیم حقوقی ناشی از تعهدات عام و مقررات عرفی بوده و بر همین اساس نقض این نوع تعهدات، در بردارنده مسئولیت بین‌المللی ناقض یا ناقضین آنها می‌باشد. در این میان در برخی از معاهدات بین‌المللی اعم از معاهدات و کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل عام و شاخه‌های مختلف آن از جمله حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق بین‌الملل محیط زیست، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر، دولت‌ها دارای تعهدی تحت عنوان تعهد به همکاری می‌باشند که برخلاف تعهدات پیش گفته، دارای مصادیق عینی صریح و مرزهای روشنی نبوده و طی آن، دولت‌ها مکلف به همکاری با یکدیگر یا با یک مرجع بین‌المللی گردیده‌اند که از نمونه‌های آن، تعهد به همکاری ذکر شده در منشور ملل متحد می‌باشد. اهداف تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، اجرای عدالت همگانی، لغو مصونیت، کمک به پایان دادن به منازعات، رفع نواقص دادگاه‌های کیفری موقت، تعقیب و محاکمه مجرمین در صورت عدم تمایل یا عدم توانایی دادگاه‌های کیفری ملی و ایجاد بیم و هراس برای جنایتکاران بین‌المللی در آینده است (حبیب زاده و دیگران، ۱۳۸۴). عدالت ترمیمی، برخلاف عدالت کیفری که دعوای کیفری را به عنوان دعوایی بین دادستان و متهم

محسوب می‌کند، بر این اعتقاد است که دعوای کیفری در اصل متعلق به متهم و بزه دیده است و از این رو مشوق مشارکت بزه دیده و بزه‌کار است (غلامی، ۱۳۹۰). دیوان کیفری بین‌المللی^۱ به موجب اساسنامه رم با هدف مقابله با بی‌کیفرمانی اشخاص حقیقی تأسیس شد. اساسنامه دیوان با حذف نهاد بازپرسی، دادستان دیوان را به عنوان ریاست دادسرا عهده‌دار تعقیب و تحقیق جرایم داخل در صلاحیت ذاتی دیوان کرده است (ماده ۱۵ اساسنامه). امروزه در نظام‌های ملی، ضرورت‌های متعددی زمینه‌ساز گرایش حقوق کیفری به قاعده اقتضاء تعقیب و فاصله گرفتن از قاعده تعقیب اجباری شده‌اند. بنا بر الزامات یادشده به ویژه در رابطه با ابعاد عملی و مدیریتی و با توجه به گستره وسیع صلاحیت جهانی، حجم انبوه شکایات و منابع محدود، رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به قاعده اقتضاء تعقیب بررسی می‌شود. (بابایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۷). گاهی مقام تعقیب با وجود کفایت ادله و انتساب رفتار مجرمانه، بنا بر اقتضائاتی به جای تعقیب متهم پرونده را بایگانی یا تعقیب را معلق می‌سازد. اختیار تعقیب در نظام‌های ملی وظیفه دادستان است، لیکن حدود این اختیار در کشورهای مختلف تابع قاعده واحدی نیست. معیارهای گزینشگری و اولویت دهی در تعقیب مهم‌ترین جرائم و مکانیسم نظارت بر آن، منطبق بر قاعده اقتضاء تعقیب و نوید بخش دادرسی منصفانه در دیوان است، و می‌تواند الگوی مناسبی در یکنواخت کردن شیوه‌های تحقیق و تعقیب در نظام‌های ملی از جمله نظام کیفری ایران باشد که به این قاعده اقبال لازم نشان نداده است.

۱. دیوان کیفری بین‌المللی

دیوان کیفری بین‌المللی، پس از آنکه ۶۰ کشور جهان، اساسنامه آن را در ژوئیه سال ۲۰۰۲ از تصویب نهایی گذراندند، در لاهه هلند آغاز به کار کرد. در کنار دولت‌های عضو، دولت‌های غیر عضو را می‌توان به ۳ گروه تقسیم کرد: اول، دولت‌هایی که اساسنامه را امضا کرده‌اند ولی

ساز و کار ارتباط دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با کشورها در جمع‌آوری دلایل ◇ ۵

آن را به تصویب نرسانیده‌اند احتمالاً به این دلیل که در حال مطالعه و بررسی تصویب هستند. دوم، کشورهایی که اساسنامه را امضا نکرده‌اند و اکنون فقط می‌توانند آن را تصویب کنند یا تصویب نکنند. اینان نیز ممکن است در حال مطالعه و بررسی تصویب باشند یا اینکه اساساً قصد تصویب نداشته باشند. نهایتاً گروه سوم از کشورها که اساسنامه را امضا کردند ولی بعدها امضای خود را پس گرفتند و بدین ترتیب عدم رضایت خود را از پیوستن به دیوان آشکار نمودند. ((Cryer, ۲۰۱۹). بررسی‌ها نشان می‌دهد که دیوان کیفری بین‌المللی به دلیل ماهیت، ساختار و صلاحیت‌های خود به گونه‌ای طراحی شده است که همه دولت‌ها - چه آنان که عضو هستند و چه آنهایی که عضو نیستند - باید برای تنظیم روابط خود با دیوان کیفری بین‌المللی دست به قانونگذاری بزنند؛ هر چند طبیعی است که الزامات دولت‌های عضو با الزامات دولت‌های غیر عضو متفاوت است و هر چند که الزامات دولت‌های غیر عضو بیش از آنکه بین‌المللی باشد داخلی است.

۲. الزامات قانونگذاری کشورهای عضو

کشورهایی که با تصویب اساسنامه به عضویت دیوان کیفری بین‌المللی درآمده‌اند خودبه‌خود مقررات اساسنامه را پذیرفته‌اند. یعنی اولاً پذیرفته‌اند که عناوین مجرمانه موضوع ماده ۵ - به شرح و تعریفی که در مواد ۶ تا ۸ آمده است - جرم است و ثانیاً این جرائم می‌تواند در دادگاه‌های داخلی مورد رسیدگی قرار گیرد و ثالثاً در غیاب دادگاه‌های داخلی، یعنی ناتوانی یا بی‌ رغبتی آنها در رسیدگی، دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به آنها را دارد. اما این پذیرش به معنای آن نیست که صرف پیوستن به دیوان کافی است تا دادگاه‌های داخلی يك کشور بتوانند به آن جرایم رسیدگی نمایند. زیرا برای رسیدگی به جرم علاوه بر جرم انگاری، لازم است که دادگاه صالح و آئین دادرسی نیز مشخص شود. همچنانکه صرف پیوستن به اساسنامه کافی نیست تا دولت عضو در اموری از قبیل دستگیری یا تحویل متهمین بتواند با دیوان همکاری

نماید. خلاصه اینکه کشورهای عضو اساسنامه برای تنظیم روابط خود با دیوان به دوگونه قانون گذاری نیازمندند: ۱) جرم انگاری عناوین کیفری اساسنامه و تعیین دادگاه صالح و آئین دادرسی برای اینکه خود بتوانند به جرائم رسیدگی کنند. ۲) وضع قواعد مربوط به نحوه همکاری با دیوان برای آنکه به الزامات عضویت خود در اساسنامه پاسخ گفته باشند. (Ashworth, ۲۰۲۰).

۲-۱. الزامات قانون گذاری برای اعمال صلاحیت تکمیلی

نظر می‌رسد که چنین تمایل و اینگونه محاکم را همچنان باید به دیده استثناء نگریست چه، اساساً ابداع صلاحیت صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، تکمیلی است. صلاحیت تکمیلی تاسیس بدیعی است که با اساسنامه رم پایه عرصه عالم اعتبار نهاده است. منظور از صلاحیت تکمیلی این است که دیوان در صورتی به جرائم موضوع اساسنامه (نسل کشی، جرایم جنگی، جرائم علیه بشریت و تجاوز) رسیدگی خواهد کرد که دادگاه‌های داخلی کشورها. اعم از عضو یا غیرعضو - مایل یا قادر به رسیدگی به آن جرائم نبوده یا نباشند. یعنی دیوان اولین مرجع رسیدگی به این جرائم نیست بلکه آخرین است و به تعبیر دیباچه اساسنامه، «دیوان کیفری بین‌المللی که به موجب این اساسنامه تاسیس می‌شود تکمیل کننده محاکم کیفری خواهد بود» و اگر بخواهیم از تعبیری کم و بیش سیاسی استفاده کنیم باید بگوئیم که دیوان، عامل و اهرم فشار به دادگاه‌های داخلی است تا در رسیدگی به آن جرائم کوتاهی ننمایند، هر چند دیوان فقط اهرم فشار نیست بلکه خود نیز آماده است تا در غیبت عمدی یا سهوی محاکم داخلی، به جرائم معهود رسیدگی نماید. اکنون دیوان بر بام کشورهای عضو و البته به نوعی بر فراز کشورهای غیر عضو نیز نشسته است تا اگر در رسیدگی کوتاهی نمایند به وظیفه خود عمل کند. با این مقدمه، کشورهای عضو در زمانی که جرم به آنها مرتبط باشد، یعنی در قلمرو آنها یا توسط اتباع آنها ارتکاب یافته باشد، معمولاً و منطقاً باید ترجیح دهند تا خود به دادرسی مشغول شوند و سازوکار صلاحیت تکمیلی را اعمال نمایند تا دیوان نتواند نسبت به آن جرم

ساز و کار ارتباط دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با کشورها در جمع‌آوری دلایل ◇ ۷

اعمال صلاحیت نماید. در عین حال، این تصور نیز ناممکن نیست که دولتی رسیدگی در دیوان را به رسیدگی در محاکم داخلی ترجیح دهد؛ امری که پیدایش برخی دادگاه‌های موسوم به نسل سوم، مثل دادگاه ویژه سیرالئون مؤید آن است. دادگاه مزبور بنا به درخواست و پیشنهاد دولت سیرالئون و با همکاری و مشارکت سازمان ملل برای رسیدگی به برخی جرائم بین‌المللی تشکیل گردید. اما به تکمیلی بدین دلیل بوده است که دولت‌ها ترجیح داده‌اند امور کیفری را که در حوزه صلاحیت محاکم خود می‌یابند، خود به عهده داشته باشند و تنها در فقدان چنین ظرفیت و شرایطی به رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی تن داده‌اند و البته این نیز به داعی آن بوده که تدابیر و تمهیدات لازم را برای رسیدگی در دادگاه‌های خود ببندیشند و فراهم آورند. به همین دلایل است که آمارها نشان می‌دهد که ۳۱ کشور ۷ قوانین لازم برای اعمال صلاحیت تکمیلی را تصویب کرده‌اند و ۲۶ کشور نیز پیش نویس چنین قانونی را فراهم آورده‌اند. مختصر آنکه دولت‌هایی که تمایل ندارند دیوان کیفری بین‌المللی به جرائم ارتكابی در قلمرو آنها یا توسط اتباع آنها رسیدگی نماید، باید اقدامات لازم را برای اعمال صلاحیت دادگاه‌های داخلی خود معمول نمایند. این اقدامات اصولاً شامل دو محور اصلی است: ۱) جرم انگاری عناوین چهارگانه ۲) تعیین دادگاه صالح و آئین دادرسی. (Lippman, ۲۰۱۱).

۳. وظایف دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در تحقیق و جمع‌آوری دلایل

دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در رأس دادسرا که یک رکن مستقل دیوان است، در عملکرد خود مستقل است. دادستان دیوان وظیفه جمع‌آوری اطلاعات مربوط به جرایمی که در صلاحیت دیوان است به عهده دارد. وی، همچنین، عهده دار بررسی اطلاعات مزبور، هدایت تحقیقات مقدماتی، انجام امر تعقیب، تهیه و تنظیم کیفرخواست و دفاع از آن در مقابل دیوان می‌باشد. علاوه بر موارد فوق، دادستان حق جمع‌آوری ادله، اخذ اظهارات شهود و همچنین حق احضار و جلب متهمان را دارد. لکن دادستان در انجام اقدامات فوق، باید نظر شعبه

مقدماتی دیوان را جلب نماید. به این معنا، که دادستان در موارد فوق تحت کنترل و نظارت قضائی شعبه مقدماتی قرار دارد، یعنی تصمیمات دادستان باید به تأیید شعبه مقدماتی برسد تا جنبه اجرایی پیدا کند. به عبارت دیگر، مطابق با اساسنامه دیوان، تشخیص دادستان قاطع نیست، بلکه مشمول نظارت است. (بابایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۱). این قسمت به دنبال تشریح نقش شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی از مرحله شروع به تحقیق تا قبل از شروع محاکمه است.

۱. اخذ مجوز برای شروع به تحقیق

در اساسنامه دیوان‌های موقت، تصمیم شروع به تحقیق منحصرأ در اختیار دادستان می‌باشد. ماده ۱۸. ۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و ماده ۱۷ (۱) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا در این زمینه مقرر می‌دارد:

«دادستان به ابتکار خویش و یا بر مبنای اطلاعات حاصله از منابع دیگر، که به ویژه شامل دولت‌ها و ارگان سازمان ملل و سازمان‌های بین‌الدول یا غیردولتی خواهد بود، تحقیقات خویش را آغاز خواهد کرد. دادستان پس از دریافت یا کسب اطلاعات، به ارزیابی آنها پرداخته و نسبت به کفایت مبنای حقوقی برای شروع به تحقیقات تصمیم‌گیری خواهد نمود». در دیوان‌های موقت، دادستان نه تنها از آزادی مطلق در تصمیم‌گیری نسبت به اقدام به شروع یا عدم شروع به تحقیقات برخوردار می‌باشد، بلکه تحقیقات وی مشمول هیچ‌گونه نظارت قضائی نیز نمی‌باشد. علت عمده آزادی عمل دادستان در خصوص تصمیم شروع به تحقیقات^۲ که همانند نظام‌های حقوق ملی است، برخلاف اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جلوگیری از شکایات اشخاص و طرح شکایات بی‌اساس و واهی از سوی آنان است. همانگونه که لوئیس آربور^۱ دادستان دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در اظهارنظری در

* Louis Arbor

ساز و کار ارتباط دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با کشورها در جمع‌آوری دلایل ◇ ۹

اجلاس دسامبر ۱۹۹۷ کمیته مقدماتی اشاره می‌کند، تمایز عمده‌ای بین امر تعقیب در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل وجود دارد و آن تشخیص و صلاح‌دید بی‌قید و شرط دادستان در حقوق داخلی است. در حقوق داخلی، فرض بر این است که کلیه جرایم ولو بسیار ناچیز و کم اهمیت می‌بایست مورد تعقیب قرار گیرد. اما در یک دادگاه بین‌المللی، به ویژه دادگاهی مبتنی بر اصل صلاحیت تکمیلی، تشخیص لازم برای تعقیب، به طور قابل ملاحظه‌ای مهم‌تر و خطرتر است و ضابطه و معیاری که می‌بایست برای چنین تعقیبی اعمال گردد پیچیده و تعریف نشده است. با توجه به تجربه موجود که مبتنی بر فعالیت دو دادگاه اختصاصی بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا (تا به امروز است، باید گفت که دادستان در یک مبارزه واقعی می‌بایست از میان خیل شاکیان، به جای پرونده‌های سبک و کم‌اهمیت پرونده‌هایی را برگزیند که شایسته دخالت بین‌المللی باشند. دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در سه حالت می‌تواند از وقوع جرایم در صلاحیت دیوان) نسل‌کشی (نابود سازی جمعی)، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز منوط به تحقق شرایط قانونی مطلع شود و رسیدگی به آنها را آغاز نماید. (یوسفی و یوسفی، ۱۴۰۱: ۳۰۹). نخست، در صورتی که یک دولت وضعیتی را که در آن یک یا چند جنایت به نظر می‌رسد ارتکاب یافته است، به موجب ماده ۱۴ به دادستان ارجاع نماید؛ دوم، شورای امنیت وضعیتی را که در آن یک یا چند جنایت به نظر می‌رسد ارتکاب یافته است، به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد به دادستان ارجاع نماید و سوم، دادستان تحقیقاتی را به موجب ماده ۱۵ اساسنامه در مورد آن جنایت شروع نموده باشد. (ماده ۱۳ اساسنامه). ماده ۴۵ آیین دادرسی و ادله دیوان مقرر می‌دارد: ارجاع وضعیتی به دیوان باید به صورت کتبی باشد. علت پیش‌بینی سه حالت مختلف برای شروع به رسیدگی و عدم لزوم صدور مجوز قضائی در دو حالت اول، و لزوم صدور مجوز قضائی در حالت سوم را، اینگونه بیان کرده‌اند: در حالتی که شورای امنیت موضوعی را به دادگاه ارجاع می‌دهد، چنین تشخیص داده است که دخالت و تصمیم شعبه مقدماتی ضرورتی نداشته باشد، زیرا شورای امنیت توسط

یکی از نهادهای تابع خود بررسی‌های اولیه‌ای را در خصوص اطلاعات مربوط به احتمال ارتکاب جرایم بین‌المللی به عمل آورده است. دوم اینکه جرایمی که از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع داده می‌شود، متضمن تهدید و یا حتی نقض صلح می‌باشند و از اهمیت خاصی برخوردار هستند. اهمیت اینگونه جرایم به اندازه‌ای است که لزوم ارجاع به شعبه مقدماتی را مرتفع می‌نماید. (صابر، ۱۳۹۴: ۶۱). شروع به تحقیقات توسط دادستان بنا بر تقاضای شورای امنیت سازمان ملل متحد، زمانی ممکن است که شورا بر اساس اختیارات خود به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد «وضعیتی را که به نظر می‌رسد يك یا چند جرم مشمول صلاحیت دیوان به وقوع پیوسته است به دادستان ارجاع می‌دهد». بدیهی است شورای امنیت فقط وضعیت‌هایی را که متضمن جرایم بسیار جدی بوده و ارتکاب آن جرایم موجب تهدید صلح یا نقض صلح باشد ممکن است به دادگاه ارجاع دهد. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برخلاف اساسنامه دادگاه‌های موقت، بین تحقیقات اولیه که بررسی اولیه^۱ نامیده می‌شود و تحقیقات مقدماتی تفاوت قایل می‌گردد. ضرورت بررسی اولیه برای شروع به تحقیقات اصلی در ماده ۱۵ اساسنامه دیوان پیش‌بینی شده است و مختص مواردی است که دادستان علی‌الرأس تصمیم به شروع به رسیدگی می‌گیرد. منظور از بررسی اولیه، جستجو برای یافتن اطلاعات و یا جمع‌آوری ادله در خصوص جرم ادعائی است و هدف آن رسیدن به این نتیجه است که آیا مبنای معقولی برای شروع به تحقیقات وجود دارد یا خیر. منابع کسب اطلاعات دادستان در ماده ۱۵ (۱) اساسنامه آمده است.

چنانچه دادستان رأساً اطلاعاتی را در مورد ارتکاب جنایات مشمول صلاحیت دیوان به دست آورد، می‌تواند تحقیقات خود را آغاز نماید. اگر دادستان با توجه به اطلاعاتی که به دست می‌آورد مبنای مستدلی برای تحقیق بیابد باید درخواستی را به ضمیمه کلیه اسناد و

ساز و کار ارتباط دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با کشورها در جمع‌آوری دلایل ◇ ۱۱

مدارك تأیید کننده‌ای که جمع‌آوری کرده است، برای گرفتن مجوز تحقیق به شعبه مقدماتی تسلیم نماید (ماده ۱۵(۳)). این درخواست باید به صورت کتبی باشد (ماده ۵۰ آیین دادرسی و ادله دیوان). شعبه مقدماتی درخواست دادستان را مورد بررسی قرار می‌دهد و چنانچه بعد از بررسی درخواست دادستان و اسناد و مدارك وی، ملاحظه کند که مبنای معقولی برای انجام تحقیق وجود دارد و موضوعی برای انجام تحقیق وجود دارد و این که موضوع ظاهراً در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی است، بایستی اجازه شروع به تحقیق را صادر نماید. چنانچه شعبه مقدماتی درخواست دادستان را رد نماید، وی در صورت دستیابی به دلایل یا حقایق جدید در مورد همان وضعیت مورد نظر، مجدداً می‌تواند درخواست خود را مطرح نماید (ماده ۱۵(۵)). ضمن اینکه دادستان می‌تواند از قرار صادره توسط شعبه مقدماتی به موجب بند ۲ ماده ۸۳ نزد شعبه تجدیدنظر تقاضای تجدیدنظر نماید. (Kuczyńska, ۲۰۱۵).

درخواست دادستان از شعبه مقدماتی مانع از انجام تحقیقات از سوی دادستان نمی‌شود، بر همین اساس، دادستان تا زمان صدور قرار شعبه مقدماتی... می‌تواند استثنائاً از شعبه مقدماتی درخواست نماید به وی اجازه دهد اقدامات تحقیقی لازم را به منظور حفظ ادله ادامه دهد. این تقاضا مشروط بر این است که در صورت عدم انجام تحقیق، فرصت تحصیل ادله از بین برود یا این خطر وجود دارد که دستیابی به این مدارك بعداً امکان‌پذیر نباشد.

۲- نقض تصمیم دادستان مبنی بر عدم تعقیب

همانگونه که گفته شد، دادستان موظف است پس از بررسی و ارزیابی اطلاعاتی که در اختیار او قرار می‌گیرد، شروع به تحقیق نماید مگر آنکه تشخیص دهد مطابق اساسنامه دیوان دلایل قانع‌کننده‌ای برای اقدام به تحقیق وجود ندارد. در صورتی که دادستان علیرغم اهمیت جرم و منافع مجنی‌علیه، با توجه به معیارهای مذکور در ماده (۱) و (۲) اساسنامه، تشخیص دهد که به دلایل مقتضی شروع به تحقیق در راستای اجرای عدالت نیست، موظف است شعبه

مقدماتی را از تصمیم خود و دلایل توجیهی آن مطلع نماید. شعبه مقدماتی بنا به درخواست دولت ارجاع دهنده قضیه ماده ۱۴ و یا درخواست شورای امنیت ماده ۱۳. ب می‌تواند تصمیم دادستان مبنی بر عدم تعقیب و پیگیری قضیه را مورد بررسی قرار دهد و از دادستان بخواهد که در تصمیم خود بازنگری نماید ماده ۵۳ (۳ الف). بند ۲ ماده ۱۰۷ آیین دادرسی و ادله مقرر می‌دارد: دادستان باید در اولین فرصت ممکن، بازنگری را انجام دهد. (Marty and Spenser, ۲۰۱۰).

علاوه بر موارد فوق، شعبه مقدماتی می‌تواند رأساً و بر اساس تشخیص خود، تصمیم اتخاذ شده از سوی دادستان مبنی بر عدم پیگیری قضیه را که بر اساس معیارهای مذکور در بندهای (ج) و ۲ (ج) ماده ۵۳ صورت گرفته است، مورد بررسی قرار دهد. در صورتی که تصمیم دادستان مورد تأیید شعبه مقدماتی واقع شود معتبر است در غیر این صورت، دادستان باید قضیه مورد نظر را پیگیری کند ماده ۵۳ (۳) (ب). بنابراین تشخیص دادستان قاطع نیست، بلکه مشمول نظارت قضائی می‌باشد. در هر صورت که دادستان شروع به تحقیقات نماید، اعم از این که بر اساس کسب مجوز قضائی از شعبه مقدماتی برای شروع تحقیقات یا به تقاضای شورای امنیت یا به درخواست دولت‌های عضو، در پیش برد یا توقف رسیدگی اختیار دارد. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چنانچه دادستان در مورد بند ج ماده ۱۳، برای شروع به تحقیقات، مجوز قضائی کسب نماید و تحقیقات را آغاز نماید، در صورتی که پس از آغاز تحقیق تشخیص دهد که تحقیقات بیشتر باید متوقف شود به دلیل آن که مبنای مستدل وجود ندارد، آیا می‌تواند تصمیم به عدم تعقیب موضوع بگیرد یا خیر؟ به نظر می‌رسد اساسنامه نسبت به این موضوع حکم خاصی ندارد. شاید بتوان با توجه به ماده ۵۳ (۳) (ب) نتیجه گرفت که در این مورد دادستان می‌تواند تعقیب را متوقف و تصمیم به عدم پیگرد بگیرد، مگر آن که شعبه مقدماتی ادامه تحقیق و تعقیب را از وی بخواهد. ماده ۱۰۷ آیین دادرسی و ادله دیوان در خصوص چگونگی نظارت شعبه مقدماتی بر تصمیم دادستان به عدم تحقیق و تعقیب موضوع می‌باشد.

ساز و کار ارتباط دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با کشورها در جمع‌آوری دلایل ◇ ۱۳

۳. صدور دستور احضار و یا جلب توسط شعبه مقدماتی

دادستان راساً حق احضار و یا جلب مظنونان را برای انجام تحقیقات ندارد، بلکه در هر مرحله‌ای از تحقیقات می‌تواند از شعبه مقدماتی درخواست صدور دستور احضار یا حکم جلب را بنماید. هر زمان پس از آغاز تحقیق و در صورت درخواست دادستان، شعبه مقدماتی با بررسی درخواست وی و ادله یا سایر اطلاعاتی که از سوی دادستان ارائه می‌شود، دستور بازداشت شخص را صادر خواهد کرد به نظر می‌رسد چنانچه شرایط مذکور در بند ۱ ماده ۵۸ اساسنامه محقق شود دیوان باید با درخواست دادستان همراهی نماید. محلی نیز برای تفسیر سیاسی یا ایدئولوژیکی باقی نمی‌ماند.

برای صدور حکم بازداشت شعبه مقدماتی باید موارد زیر را مدنظر داشته باشد: الف) دلایل کافی مبنی بر ارتکاب یکی از جرایم در حدود صلاحیت دیوان، از سوی شخص وجود داشته باشد؛ ب) بازداشت شخص ضروری باشد. جهات ضروری بازداشت عبارتند از: حصول اطمینان از حضور وی در محاکمه؛ حصول اطمینان از این که شخص مزبور مانعی در راه تحقیقات و یا رسیدگی دادگاه ایجاد نمی‌کند و یا انجام آنها را به خطر نمی‌اندازد؛ در صورت اقتضاء، جلوگیری از ارتکاب و یا ادامه ارتکاب جرم در محدوده صلاحیت دیوان.

پ) تقاضای دادستان باید شامل موارد زیر باشد: مشخصات فردی متهم؛ ذکر جرایمی که ادعا می‌شود فرد مرتکب شده و در صلاحیت دیوان است؛ خلاصه‌ای از اوضاع و احوال منتهی به ارتکاب جرم؛ خلاصه دلایل توجیهی جهت انتساب جرم به مرتکب و دلایلی که دادستان بر مبنای آنها بازداشت شخص را ضروری می‌داند. در دستور بازداشت که از سوی شعبه مقدماتی صادر می‌شود نیز بایستی موارد فوق ذکر شود. البته، دادستان در هر زمان حق درخواست اصلاح دستور بازداشت از حیث کاهش یا افزایش جرایم مذکور در آن را دارد. چنانچه شعبه مقدماتی درخواست دادستان را مستند به دلایل متقن بداند به درخواست پاسخ مثبت می‌دهد. (Safferling, ۲۰۰۸). درخواست دیوان برای بازداشت فرد می‌تواند از طریق دولتی که فرد

تحت تعقیب در قلمرو آن ممکن است یافت شود، صورت گیرد. در این صورت، دولت مورد درخواست باید فوراً اقدامات مربوط به بازداشت شخص تحت تعقیب را به عمل آورد ماده ۸۹(۱).

اساسنامه دیوان احضار را به عنوان جایگزین بازداشت مطرح می‌کند، مشروط بر آن که احضار برای اطمینان از حضور شخص نزد دیوان کافی تشخیص داده شود. تعیین اوضاع و احوال پرونده مبنی بر این که کدام اقدام را اقتضاء می‌نماید، به عهده دادستان می‌باشد. بند ۷ ماده ۵۸ اساسنامه رم مقرر می‌دارد: دادستان می‌تواند به جای درخواست صدور دستور بازداشت، از شعبه مقدماتی درخواست صدور دستور احضار شخص را بنماید. چنانچه شعبه مقدماتی دلایل کافی مبنی بر این که احضار شونده جرم مورد نظر را مرتکب شده و احضاریه نیز برای حصول اطمینان نسبت به حضور وی کافی است، دستور احضار را صادر خواهد کرد. دستور احضار حاوی مطالبی است که در مورد حکم جلب آمده است، مضاف بر این که زمان حضور نیز در آن قید می‌گردد ماده ۵۸.۷. چنانچه دلایل پرونده نشان دهد که متهم ممکن است مانع انجام تحقیقات شود یا انجام تحقیقات را به خطر اندازد یا ممکن است ارتکاب جرایم را ادامه دهد، صدور حکم جلب الزامی است.

۴. نظارت شعبه مقدماتی بر اقدامات دادستان در طول تحقیقات

همانگونه که گفته شد، تحقیقات از جرایم در صلاحیت دیوان به عهده دادستان است. دادستان به منظور کشف حقیقت، باید کلیه تحقیقات را انجام و ادله را جمع‌آوری نماید. دادستان می‌تواند تحقیق را در قلمرو هر کشور انجام دهد مشروط بر آن که، شعبه مقدماتی با رعایت ماده ۵۷(۳.۱) اساسنامه رم انجام تحقیق را تجویز کرده باشد. ماده ۵۴(۲). همچنین، دادستان حق انجام تحقیقات مقدماتی نظیر جمع‌آوری ادله، احضار شهود و قربانیان را نیز دارد. ضمن این که دادستان می‌تواند همکاری دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی را جلب نماید و

ساز و کار ارتباط دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با کشورها در جمع‌آوری دلایل ◇ ۱۵

موافقتنامه‌هایی را با کشورها منعقد نماید (ماده ۵۴(۱)) و تعهداتی مبنی بر محرمانه ماندن اطلاعات و عدم افشاء آنها بنماید ماده ۵۴. علاوه بر موارد فوق، شعبه مقدماتی می‌تواند: (آقایی جنت مکان، ۱۳۷۸: ۵۶).

الف) در صورت درخواست دادستان، دستورات و قراردادهایی را که برای تحقیق لازم است صادر نماید؛

ب) به دادستان اجازه دهد تحقیقات خاصی را در قلمرو يك کشور عضو بدون جلب همکاری آن کشور انجام دهد؛ دادستان در جهت انجام اختیارات خود در جریان يك تحقیق که عبارتند از جمع‌آوری و بررسی ادله و احضار و بازجوئی از مظنونان، قربانیان و شهود، می‌تواند از هر کشور یا سازمان بین‌المللی درخواست همکاری نماید. همچنین، در این زمینه موافقتنامه‌هایی ترتیب دهد تا موجبات تسهیل همکاری کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و اشخاص فراهم آید.

در مورد نحوه انجام تحقیق و توانایی دادستان برای انجام این کار در هنگام تدوین اساسنامه اختلاف وجود داشت. برخی دولت‌ها انجام تحقیق را حق انحصاری دولت‌ها می‌دانستند و با اختیار تحقیق دادستان مخالف بودند. لکن، در حال حاضر، دادستان به موجب اساسنامه می‌تواند تحقیق خاصی را در سرزمین يك دولت به عمل آورد بدون این که نیازی باشد تا قبلاً همکاری یا رضایت آن دولت را جلب کرده باشد. اما چنین تحقیقی باید با اجازه قضائی باشد، به این نحو که شعبه مقدماتی در صورتی که بر آن معلوم شود که در موردی خاص کشوری نمی‌تواند به درخواست همکاری پاسخ مثبت دهد، شعبه می‌تواند به دادستان اجازه دهد تا تحقیقاتی را در قلمرو يك کشور عضو و بدون جلب رضایت آن دولت انجام دهد.

اساسنامه دیوان در این زمینه مقرر می‌دارد: پس از ملاحظه نظریات کشور ذی نفع اگر بر شعبه مقدماتی معلوم شود که در موردی خاص و به جهت فقدان مراجع مسؤل و یا فقدان هیأت حاکمه قضائی صلاحیت‌دار، کشوری قادر به اجابت درخواست همکاری موضوع فصل

نهم اساسنامه نیست، مرجع مذکور می‌تواند مجوزی به دادستان اعطاء کند تا در محدوده فصل مذکور تحقیقات خاصی را در قلمرو يك کشور و بدون جلب همکاری آن کشور انجام دهد. ماده ۵۷ (۳) (د) و ماده ۵۴ (۲) ب. برخی حقوقدانان انجام چنین اختیاری را نه عملی و نه کارآمد می‌دانند. به طور کلی، دولت‌های عضو اساسنامه ملزم هستند که در انجام تحقیق و تعقیب جرایم در صلاحیت دیوان با آن دیوان همکاری نمایند. همچنین دولت‌ها باید ترتیبی اتخاذ نمایند که با پیش‌بینی روش‌های مناسب تحقیق در قوانین خود، اشکال مختلف همکاری را فراهم نماید (ماده ۸۸ اساسنامه). فرانسه در اجرای تکلیف فوق و در جهت تسهیل همکاری با دیوان تغییراتی را در قانون اساسی آن کشور صورت داده است. در اسپانیا، لوگزامبورگ و اکوادور نیز به این نوع همکاری‌ها تسریع شده است. (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۰).

ج) نظارت منظم جهت بازنگری در حکم آزادی یا توقیف متهم

شعبه مقدماتی موظف است دستور آزادی یا توقیف شخص را به طور منظم بازنگری نماید و همچنین هر زمان که دادستان و یا خود شخص تحت بازداشت، چنین درخواستی را مطرح نماید. در موقع بازنگری اگر شعبه مقدماتی متقاعد شود که حدوث اوضاع و احوال جدیدی، اصلاح دستور قبلی اعم از بازداشت و یا آزادی و یا شرایط آن را ایجاب می‌نماید، به نحو مقتضی اقدام خواهد نمود. ماده ۶۰ (۳) اساسنامه رم. ماده مزبور شعبه مقدماتی را ملزم می‌دارد که در حکم خود راجع به آزادی یا توقیف متهم بازنگری نماید. برای بازنگری در حکم، شعبه بدوی نیازمند درخواست طرفین نیست بلکه، می‌تواند رأساً به این کار اقدام نماید. شعبه مقدماتی می‌تواند در صورتی که شرایط اقتضاء نماید دستور سابق خود را تغییر دهد. برای مثال، چنانچه سلامت شخص اقتضاء کند می‌تواند او را به صورت مشروط آزاد نماید. هیچ دوره زمانی مشخصی برای نظارت پیش‌بینی نشده است.

۱. وظیفه نظارت مستمر و بازنگری نسبت به حکم آزادی یا توقیف متهم

در اساسنامه دیوان‌های موقت پیش‌بینی نشده بود. دلایل متعددی برای فقدان مقررات فوق ذکر شده است: از جمله، شدت جرایم ارتكابی در صلاحیت دیوان‌ها، خطرات احتمالی برای جامعه از جمله شهود و قربانیان جرم، فراری شدن متهم به دلیل ترس از مجازات‌های طولانی، عدم پیش‌بینی محاکمه غیابی در صورت غیبت متهم.

۲. نظارت شعبه مقدماتی برای جلوگیری از بازداشت غیرمعتول متهم

شعبه مقدماتی باید اطمینان حاصل نماید که شخص بازداشت شده به جهت تأخیر ناموجه دادستان، مدت غیرمعتولی را قبل از محاکمه در بازداشت نباشد. اگر چنین تاخیری رخ دهد، دیوان موظف است آزادی مطلق و یا مشروط وی را مورد بررسی قرار دهد. ماده ۶۰ (۴). قیدهای مدت غیرمعتول و تأخیر ناموجه ماهیتاً یکی هستند. آنچه مدت غیرمعتول دانسته می‌شود در رابطه با اوضاع و احوال هر پرونده خواهد بود. دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق به هفت عامل که از سوی کمیسیون حقوق بشر اروپائی مربوط دانسته شده‌اند اشاره می‌کند. اساسنامه دیوان به هر گونه بازداشت غیرمعتول اشاره نکرده است بلکه، تنها بازداشت غیر معتول که از ناحیه دادستان واقع شده را مدنظر قرار داده است. برخی مفسران ضابطه تأخیر غیرموجه را مورد انتقاد قرار داده‌اند و آن را مبهم و غیرصریح می‌دانند. تأخیر غیرموجه شامل تأخیر غیرعمدی نیز می‌شود. شعبه تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا، تأخیر غیرموجه قابل انتساب به دادستان را باعث برائت متهم از اتهامات وارده می‌داند و رسیدگی مجدد را نیز منتفی می‌داند. هر چند اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق در خصوص جبران خسارت در مورد تأخیر ناموجه حکمی ندارد. اساسنامه دیوان رم، راه‌حلی مبنی بر جبران خسارت خاص (یعنی آزادی از حبس و نه توقیف دادرسی) مقرر می‌دارد که به معنای رد راه حل افراطی شعبه تجدیدنظر دیوان رواندا است. (یوسفی، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

۳. صدور اجازه تحقیق برای دادستان با وجود رسیدگی دولت مربوط

چنانچه دادستان بر اساس ماده ۱۳. الف و ج یا ماده ۱۵ اساسنامه تحقیقاتی را آغاز نماید، بایستی (این تصمیم را) به کلیه دولت‌های عضو و دولت‌هایی که با توجه به اطلاعات موجود معمولاً بر آن جنایات اعمال صلاحیت می‌نمایند، اعلام کند. چنانچه دولت مورد نظر، به دیوان اطلاع دهد که در حال انجام تحقیقات لازم می‌باشد یا تحقیقاتی را به عمل آورده است، بنا به درخواست آن دولت، دادستان بایستی تحقیق از آن اشخاص را به آن دولت واگذار نماید، مگر آنکه شعبه مقدماتی بنا به درخواست دادستان اجازه تحقیق برای وی صادر کند (ماده ۱۸(۲) (۴) و (۶)). علت واگذاری تحقیقات به دولت مربوط این است که صلاحیت دیوان، صلاحیت تکمیلی است. به این معنا، که هرگاه دولت صلاحیت‌دار نسبت به موضوعی در حال تحقیق است، دیوان باید تحقیقات را به آن دولت واگذار کند و مداخله ننماید (ماده ۱۷ (۱)(الف)). به علاوه، ماده ۱۸ اساسنامه رم پیش‌بینی کرده است که دادستان می‌تواند در صورتی که تغییر مهمی در اوضاع و احوال، بر اساس عدم تمایل یا عدم توانایی آن دولت بیابد در آن تجدیدنظر نماید ماده ۱۸(۳). همچنین اساسنامه پیش‌بینی کرده است که در صورت واگذاری تحقیقات به دولت صلاحیت‌دار، دادستان می‌تواند از آن دولت بخواهد که وی را به صورت دوره‌ای از پیشرفت تحقیقات مطلع گرداند ماده ۱۸.۴.

۵. نقش شعبه مقدماتی دیوان در ارتباط با موارد فوق العاده تحقیق

چنانچه دادستان به این نتیجه برسد که انجام يك تحقیق فرصتی استثنائی^۱ را به منظور استماع شهادت شهود و یا اخذ شهادت نامه از يك شاهد و یا اخذ توضیح از وی و یا جمع‌آوری و یا بررسی ادله فراهم می‌سازد، به نحوی که اگر آن تحقیق صورت نگیرد، انجام آن بعداً امکان‌پذیر نخواهد بود، دادستان باید شعبه مقدماتی را از این امر مطلع سازد ماده ۵۶.

* unique investigation opportunity

ساز و کار ارتباط دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با کشورها در جمع‌آوری دلایل ◇ ۱۹

(الف). در این مورد و بنا به درخواست دادستان، شعبه مقدماتی دیوان، اقدامات لازم را به منظور اطمینان از حسن جریان تحقیق و خصوصاً حفظ حقوق متهم به عمل خواهد آورد ماده ۵۶ (ب). اقداماتی که دادستان می‌تواند برای حصول اطمینان از حسن جریان تحقیق به عمل آورد در بند ۲ ماده ۵۶ تصریح شده است. چنانچه دادستان تدابیر لازم را در مورد فوق به عمل نیاورد، لکن شعبه مقدماتی اتخاذ آن تدابیر را به منظور حفظ ادله‌ای که در مقام دفاع و جریان محاکمه نقش اساسی و قاطعی دارد، لازم بداند در این خصوص از دادستان توضیح خواهد خواست و چنانچه قصور دادستان را در این زمینه احراز نماید خود اقدامات را به عمل خواهد آورد. تصمیم شعبه مقدماتی از سوی دادستان قابل تجدیدنظرخواهی خواهد بود. (صابر، ۱۳۹۴: ۳۸). ماده ۵۶ اساسنامه رم تحت عنوان «نقش شعبه مقدماتی در رابطه با فرصت استثنائی تحقیق» به دسته بندی نظام حقوق نوشته در خصوص «اقدامات قاطع و غیرقابل تکرار» یا «جمع‌آوری ادله مورد انتظار» و همچنین به دسته‌بندی نظام حقوق کامن لا مبنی بر سؤال از شاهد طرف مقابل در مورد شاهی که در هنگام محاکمه حاضر نیست (شهادت‌نامه‌ها)، اشاره دارد. فلسفه ماده ۵۶ در مورد جمع‌آوری ادله‌ای است که به لحاظ ماهیت آنها، امکان تهیه و فراهم کردن مجدد آنها در هنگام دادرسی کاملاً وجود ندارد (نظیر نبش قبر گسترده)، یا برای دستیابی به آنها نیاز است که اقدامات فوق‌العاده‌ای برای حفظ ادله به عمل آید. اتخاذ اقدامات فوق‌العاده تنها در اختیار دادستان نیست، بلکه، دادگاه نیز به عنوان یک ارگان بی‌طرف در این امر دخالت می‌نماید.

۶. تأیید اتهامات مندرج در کیفرخواست

یکی از مکانیسم‌های پیش‌بینی شده در اساسنامه رم، برگزاری جلسه مربوط به تأیید اتهامات از سوی شعبه مقدماتی قبل از برگزاری جلسه محاکمه است. فلسفه تأیید کیفرخواست این

است که اتهامات وارده از نظر استحکام و اعتبار علی‌الظاهر^۱ قابل طرح باشد. این جلسه به منظور تأیید اتهاماتی که دادستان رسیدگی به آنها را تقاضا کرده، تشکیل می‌شود. این شیوه را «نظام تأیید اتهامات» می‌خوانند. شعبه مقدماتی می‌تواند این جلسه را به دو صورت برگزار کند. جلسه با حضور متهم، وکیل او و دادستان تشکیل شود یا بدون حضور متهم تشکیل شود. در صورتی که متهم به دیوان تحویل شده و یا داوطلبانه در دیوان حضور یافته است، شعبه مقدماتی موظف است جلسه‌ای به منظور تأیید اتهاماتی که دادستان رسیدگی به آنها را درخواست کرده، تشکیل دهد. این جلسه با حضور دادستان و متهم و وکیل وی تشکیل خواهد شد ماده ۱(۶۱) (اساسنامه دیوان). البته، نظام تأیید اتهامات نباید منجر به محاکمه مظنون قبل از محاکمه اصلی گردد. شعبه مقدماتی می‌تواند با رعایت شرایط بند ۲ ماده ۶۱، جلسه‌ای را بدون حضور متهم و در غیاب وی، به منظور تأیید اتهاماتی که دادستان رسیدگی به آنها را تقاضا کرده، تشکیل دهد و آن در مواردی است که: ۱) متهم حق حضور خود را ساقط کرده باشد؛ متهم فرار کرده یا پیدا نشده و همه اقدامات لازم برای اطمینان از حضورش در دیوان و اطلاع او از اتهامات انتسابی و جلسه‌ای که به منظور تأیید آن اتهامات تشکیل می‌شود صورت گرفته باشد. در این صورت، وکیل به نمایندگی از طرف متهم در جلسه حاضر می‌شود چنانچه شعبه مقدماتی این حضور را در راستای منافع عدالت بداند (ماده ۶۱(۲) الف و ب. البته، قبل از جلسه باید نسخه‌ای از اتهامات و ادله اثبات آنها در اختیار متهم و شعبه مقدماتی قرار گیرد (ماده ۶۱(۳) الف و ب). همچنین، دادستان می‌تواند اتهامات را اصلاح و یا مسترد دارد. در این صورت، نیز دادستان باید متهم را نسبت به اصلاح یا استرداد اتهامات مطلع نماید (۶۱(۴)). (Luna, ۲۰۰۹: ۴۷۲). شعبه مقدماتی در جلسه به چند صورت تصمیم‌گیری می‌کند: ادله دادستان در جهت اثبات اتهامات را مورد بررسی قرار می‌دهد و در صورتی که ادله جهت احراز

ساز و کار ارتباط دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با کشورها در جمع‌آوری دلایل ◇ ۲۱

ارتکاب جرم از ناحیه متهم کافی باشد، تأیید و شخص را به منظور محاکمه در خصوص اتهامات تأیید شده به شعبه بدوی اعزام نماید و چنانچه ادله دادستان برای اثبات اتهام کفایت نکند، از تأیید اتهامات خودداری نماید (۶۱)۷. البته، شعبه مقدماتی می‌تواند راه‌حل دیگری را نیز انتخاب نماید و آن اینکه، تشکیل جلسه را به تعویق اندازد و از دادستان بخواهد ادله بیشتری اقامه و یا تحقیقات مفصل‌تری راجع به اتهام خاصی انجام دهد. و یا اینکه با توجه به ادله ارائه شده از سوی دادستان، اصلاح اتهامات را درخواست کند (ماده ۶۱) ج (الف و ب). حتی ممکن است قاضی تأیید کننده، طبقه بندی متفاوتی از جرایم ارائه نماید. عدم تأیید اتهام از جانب شعبه مقدماتی مانع از درخواست مجدد دادستان برای تأیید آن اتهام نخواهد بود چنانچه دادستان به ادله جدیدی در این خصوص دست یابد. بعد از تأیید اتهامات از سوی شعبه مقدماتی و قبل از شروع محاکمه، دادستان می‌تواند ضمن اطلاع به متهم نسبت به اصلاح اتهامات اقدام نماید. چنانچه دادستان قصد افزایش اتهامات یا جایگزینی آنها را با اتهامات مهم‌تری داشته باشد مجدداً باید جلسه‌ای را به منظور تأیید اتهامات تشکیل دهد. پس از شروع محاکمه دادستان با جلب نظر شعبه مقدماتی می‌تواند اتهامات را مسترد دارد ماده ۶۱(۹). پس از تأیید اتهامات از سوی شعبه مقدماتی، مطابق ماده ۶۱، هیأت رئیسه باید پرونده را جهت رسیدگی به مراحل بعدی به يك شعبه بدوی ارجاع دهد ماده ۶۱ (۱۱). (Kostoris, ۲۰۱۸). در آیین دادرسی دیوان موقت، هیچ‌گونه مقرراتی در خصوص برگزاری «جلسه استماع مقدماتی» پیش‌بینی نشده است. به نظر می‌رسد این ویژگی از نظام دادرسی ترافعی به اساسنامه رم وارد شده است که در این نظام یکی از ضمانت‌های اساسی حفظ حقوق متهم است. در اساسنامه دیوان‌های موقت رویه مشابهی وجود دارد که به نام «بازنگری در کیفرخواست» معروف است، به موجب این رویه، پرونده نزد يك قاضی شعبه بدوی نه شعبه مقدماتی ارسال می‌گردد. تفاوتی که در نظام تأیید اتهامات دیوان وجود دارد این است که در دیوان کیفری بین‌المللی، ابتدا حکم جلب صادر می‌شود و متهم دستگیر می‌شود و سپس بعد از دستگیری و تحویل متهم،

شعبه مقدماتی اتهامات را رسیدگی می‌کند. ماده ۱۹ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (۱۸ ماده اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا) آیین نظارت بر کیفرخواست را مشخص می‌کند. ماده مزبور مقرر می‌دارد: چنانچه قاضی متقاعد شود که پرونده‌ای وجود دارد کیفرخواست باید تأیید شود، چنانچه قاضی متقاعد نشود کیفرخواست باید رد شود. ماده ۴۷ آیین دادرسی و ادله به تفصیل رویه‌ای که برای نظارت بر کیفرخواست است، مشخص می‌کند. هدف مکانیزم نظارت بر کیفرخواست این است که مشخص شود آیا دلایل کافی برای انتقال از مرحله تحقیق به محاکمه وجود دارد یا خیر؟.

تعهد دولت‌ها به همکاری و اساسنامه دیوان

تعهد به همکاری دولت‌ها در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد به طوری که حتی به هنگام بروز يك اختلاف بین‌المللی نیز بر اساس ماده ۳۳ منشور ملل متحد، طرف‌های اختلاف ملزم به انجام سطح خاصی از همکاری می‌باشند. مسأله تعهد دولت‌ها به همکاری پیوسته به عنوان يك موضوع حقوقی و مسئولیت آور در حقوق بین‌الملل عمومی مطرح بوده و علاوه بر منشور ملل متحد و قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل، در برخی کنوانسیون‌ها و اسناد مهم بین‌المللی نظیر کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو دریای آزاد، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، اعلامیه ریو (اصل هفتم اعلامیه ریو راجع به محیط زیست)، منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها، اعلامیه محیط زیست اصل ۲۲ و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (فصل نهم اساسنامه) بر این نوع تعهد دولت‌ها تصریح گردیده است. (موسوی فرد و نیکنام، ۱۳۹۵: ۵). همکاری دولت‌ها در حقوق بین‌الملل کیفری به دلیل حساسیت‌های خاص حاکمیت‌ها نسبت به صلاحیت‌های ویژه مورد شناسایی در این شاخه از حقوق بین‌الملل، از موضوعات اساسی و در عین حال چالش برانگیزی است که در جریان تعاملات بین‌الدول و بین‌المللی دولت‌ها مورد توجه حاکمیت‌ها قرار می‌گیرند. با اینکه این

ساز و کار ارتباط دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با کشورها در جمع‌آوری دلایل ◇ ۲۳

همکاری‌ها تا جایی که بر اساس توافقات حاکمیت‌ها و در قالب معاهدات بین‌المللی، ناظر بر حوزه‌های خاصی از تعاملات بین‌المللی باشند، دارای دامنه‌های مشخصی بوده و در ارتباط با حوزه‌های تحت پوشش این تعهد کمترین ابهامی وجود ندارد، در عین حال به هنگام مطرح شدن برخی تعهدات عام، به ویژه در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری، به دلیل ابهام ذاتی و ویژگی انتزاعی تعهد به همکاری، جایگاه حقوقی این تعهد و دامنه تحت پوشش آن، محل اختلاف و چالش‌های حقوقی فراوانی می‌باشد. موضوع تعهد به همکاری در دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان بزرگترین چالش مطرح گردیده است (Stahn, Carsten and Nerlich, ۲۰۰۸). نگرش دولت‌ها به موضوع صلاحیت‌های محاکم بین‌المللی نسبت به موضوعات مربوط به حاکمیت‌ها، به دلیل حساسیت‌های موجود نسبت به اصل حاکمیت دولت‌ها غالباً توأم با تردید بوده و زمانی که موضوعاتی نظیر مسئولیت کیفری افراد و نادیده انگاشته شدن مصونیت سیاسی مقامات در برابر محاکم کیفری بین‌المللی مطرح می‌گردد، این حساسیت‌ها جنبه جدی‌تری به خود می‌گیرند. به دلیل همین حساسیت‌ها، در بررسی روند شکل‌گیری و توسعه مقررات حقوق بین‌الملل کیفری ملاحظه می‌گردد که دولت‌ها نهایت تلاش خود را جهت اجتناب از پذیرش صلاحیت‌های کیفری محاکم بین‌المللی نشان داده‌اند. با گسترش ملاحظات حقوق بشری و تأکید جامعه جهانی بر اولویت ملاحظات حقوق بشری در مقابل ملاحظات حاکمیت محور، با اینکه حاکمیت‌ها مجبور به پذیرش برخی صلاحیت‌های بین‌المللی در حوزه کیفری گردیدند، با این وجود کماکان از پذیرفتن بدون شرط تعهداتی که بر اساس آنها صلاحیت اولیه محاکمه افراد از حاکمیت‌ها سلب و به مراجع بین‌المللی منتقل گردد، خودداری نمودند. (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۶). و همین ملاحظه حاکمیتی دولت‌ها، سبب شکل‌گیری اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به صلاحیت دولت‌ها گردید. ماده ۸۶ اساسنامه دیوان به عنوان اولین ماده از فصل نهم، بیان‌کننده تعهد عمومی دولت‌ها به همکاری با دیوان می‌باشد. این ماده که در بردارنده مقررات همکاری دولت‌ها با دیوان در مرحله اولیه ورود دیوان به یک پرونده (مرحله انجام

تحقیقات و جمع‌آوری اسناد) بوده، اعلام می‌دارد: «مطابق مقررات این اساسنامه، دولت‌های عضو در انجام تحقیق و تعقیب جرائمی که به صلاحیت دیوان مربوط است، کمال همکاری را با دیوان به عمل خواهند آورد. نحوه عبارت پردازی ماده ۸۶ اساسنامه، شباهت زیادی به ماده ۲۹ اساسنامه ICTY (۱۹۹۳، UN.DOC.S/۲۵۷۰۴) و ماده ۲۸ اساسنامه ICTR، (UN.DOC.S/RES/۹۵۵، ۱۹۹۴) دارد و منعکس‌کننده قاعده حداکثر همکاری‌های ممکن که در روابط بین دولت‌ها مرسوم است، می‌باشد. در صورت اعمال بند B ماده ۱۳ اساسنامه به دلیل ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت، کلیه اعضای ملل متحد و حتی کشورهای غیر عضو ملل متحد ملزم به رعایت آن می‌باشند، نیازی به انعقاد موافقتنامه خاص میان دیوان و کشورهای غیر عضو نیست و بدین ترتیب بنظر می‌رسد نحوه نگارش بند ۵ ماده ۸۷ که اعلام می‌دارد «هرگاه با وجود تنظیم توافقنامه بین دیوان و دولت غیر عضو، دولت مزبور از همکاری با دیوان به نحوی که در توافقنامه پیش بینی شده است امتناع نماید، دیوان می‌تواند موضوع را با اطلاع مجمع دولت‌های عضو یا در صورتی که موضوع را شورای امنیت در مقابل دیوان مطرح کرده باشد، به اطلاع این شورا برساند» خالی از اشکال نمی‌باشد زیرا در موارد ارجاع وضعیتی از سوی شورای امنیت، تمامی دولت‌ها و اعضای ملل متحد ملزم به همکاری با دیوان بر اساس قطعنامه شورای امنیت بوده و اصولاً نیازی به وجود موافقتنامه‌ای میان دیوان و دولت غیر عضو نمی‌باشد. علاوه بر موارد همکاری ذکر شده در ماده ۸۶ اساسنامه، دیوان می‌تواند با استقرار يك رژیم همکاری ad hoc به نیازهای همکاری خود پاسخ دهد. تعهد به همکاری ذکر شده در اساسنامه دیوان و نیز تعهدات منبعث از مقررات عرفی و تعهدات فراگیر بین‌المللی دولت‌ها بوده و مسئولیت ناشی از عدم ایفای این تعهدات متوجه دولت‌ها می‌باشد. به همین دلیلی نمی‌توان با استناد به اصل مسئولیت کیفری فردی در حقوق بین‌الملل کیفری، نقض تعهد همکاری دولت‌ها با دیوان را عامل مسئولیت‌آوری برای افراد در نظر گرفت. انحصار تعهد به همکاری بر عهده دولت‌ها در اساسنامه دیوان نیز رعایت شده است و در هیچ يك از مواد اساسنامه، تعهدی از این حیث بر عهده مقامات

ساز و کار ارتباط دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با کشورها در جمع‌آوری دلایل ◇ ۲۵

دولتی به صورت فردی بیان نگردیده است. ماده ۸۶ اساسنامه دیوان مبنی بر تعهد عمومی برای همکاری صرفاً يك ماده سمبوليك و فاقد ویژگی اجرایی نمی‌باشد بلکه بر اساس اصل تفسیر مؤثر در تفسیر معاهدات لازم است به این ماده يك اثر متداول قائل شد، (prosecutor v. blaskic, ۱۹۹۷). به همین دلیل نیز مذاکرات نهایی مربوط به تدوین اساسنامه نهایتاً منجر به این گردید که برخلاف پیش نویس اساسنامه، تعهد عمومی برای همکاری شامل اجرای احکام نگردیده و موضوع اجرای احکام در فصل دهم به صورت مجزا ذکر شود (UN.DOC. A/CONF.۱۸۳/۲/ADD.۱, ۱۹۹۸). در خصوص مراحل مقدماتی و تحقیقات دادستان دیوان، ماده ۸۶ بر تعهد دولت‌ها به همکاری با دیوان در انجام تحقیق و تعقیب جرایمی که در صلاحیت دیوان می‌باشد، تصریح دارد. با توجه به تعهد عمومی مندرج در ماده ۸۶، عبارت تحقیق موجود در این ماده شامل تحقیقات مقدماتی مذکور در بند ۲ ماده ۱۵ اساسنامه و قاعده ۱۰۴ آیین دادرسی دیوان در خصوص تعیین این مطلب که آیا مبنای منطقی برای انجام تحقیق وجود دارد یا خیر نیز می‌گردد. در مورد مسأله تحقیق، شمول این موضوع به هر دو مسأله تحقیق يك وضعیت و تحقیق يك پرونده می‌باشد (ICC, ۲۰۰۶). بدین ترتیب دولت‌ها هم در مواردی که دادستان دیوان خود بر اساس بند C ماده ۱۳ اساسنامه راساً به تحقیق در مورد يك پرونده اقدام نموده و هم در موارد A, C ماده مذکور (ارجاع وضعیتی از سوی يك دولت عضو یا ارجاع وضعیتی از سوی شورای امنیت) دارای تعهد به همکاری با دیوان می‌باشند. موضوع قابل ذکر دیگر در رابطه با شرطی است که ماده ۸۶ در تعهد به همکاری دولت‌ها با دیوان ذکر نموده است. ماده مزبور با ذکر عبارت «در صلاحیت دیوان» روشن می‌سازد که تعهد دولت‌های عضو در همکاری، صرفاً در محدوده موضوعات تحت صلاحیت دیوان می‌باشد (ICC, Statute, Art. ۸۶). اساسنامه دیوان در فصل نهم با عنوان همکاری بین‌المللی و معاضدت قضایی تعهد عامی را مبنی بر همکاری با دیوان بر عهده دولت‌های عضو نهاده است و از دولت‌های عضو خواسته است کمال همکاری را با دیوان به عمل آورند.

نتیجه‌گیری

نظارت قضائی بر تشخیص دادستان دیوان، هرچند ممکن است به استحکام و اتقان رسیدگی‌های بین‌المللی بینجامد، و اهمیت محاکمات بین‌المللی نیز بررسی دقیق آنها را اقتضاء می‌نماید، لکن ممکن است موجبات اطاله دادرسی را نیز فراهم نماید. اطاله دادرسی در سطح بین‌المللی می‌تواند به تهدید صلح و امنیت بین‌المللی منجر شود. از این رو، در رسیدگی‌های بین‌المللی، باید سعی شود که نظارت و کنترل در کوتاهترین زمان ممکن صورت گیرد تا فرصت ارتکاب جرایم بیشتر را از مجرمان بین‌المللی سلب نماید. یکی از علل موفقیت نهادهای تعقیب در دیوان‌های کیفری بین‌المللی موقت، عدم لزوم جلب نظر يك نهاد قضائی برای شروع به تحقیق و تعقیب در مورد يك وضعیت خاص بوده است. زیرا، بر اساس اساسنامه دیوان‌های موقت، دادستان دیوان برای شروع به تحقیق و تعقیب اختیارت وسیعی دارد و در عملکرد خود کاملاً مستقل است. پیش‌بینی نظارت قضائی بر تشخیص دادستان برای شروع به تحقیق و تعقیب نباید موجبات ناکارآمدی دیوان را فراهم نماید. به طوری که جامعه بین‌المللی از اجرای عدالت کیفری در خصوص بزه‌کاران بین‌المللی مایوس و ناامید گردد. در رابطه با فرایند تعقیب در دیوان کیفری بین‌المللی، که ترکیبی از عناصر دادرسی ترافعی و تفتیشی نظام‌های ملی (کامن‌لا و حقوق نوشته) است، این سیاست تعقیب جرم (الزامی بودن تعقیب) در راستای هدف دیوان مبنی بر مبارزه با بی‌کیفرمانی است و عدم تعقیب و بکارگیری سازکارهایی نظیر عفو امری استثنائی دانسته می‌شود. البته این وضع به معنای الزامی بودن تعقیب در دیوان نیست. در واقع، در پاسخ به پرسش تحقیق باید گفت به لحاظ گستره وسیع صلاحیت، محدودیت ظرفیت و منابع و نیز موانع پرشمار برای تعقیب همه جرایم، رویکرد دیوان نسبت به قاعده اقتضاء تعقیب در مقایسه با نظام‌های ملی گسترده‌تر و قاعده‌مندتر است. این رویکرد با تعیین و ارزیابی اصول و معیارهای انتخاب و اولویت‌بخشی پرونده‌ها در پی شناسایی و تثبیت تدابیر، مصالح، معیارها و قواعدی در مدیریت مؤثر تخصیص منابع محدود دیوان به

ساز و کار ارتباط دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با کشورها در جمع‌آوری دلایل ◇ ۲۷

پرونده‌های موجود است. البته گزینش مهم‌ترین پرونده‌ها بر اساس اصل مقتضی بودن تعقیب، بر خلاف نظام‌های ملی، تنها در اختیار دادستان نیست، بلکه وظیفه مشترک دادستان و شعبه مقدماتی است. بایگانی کردن پرونده، تعویق تحقیق و تعقیب و معامله (پذیرش) اتهام از بارزترین نمودهای اصل اقتضاء تعقیب در دیوان هستند. شورای امنیت در جهت حفظ صلح و امنیت جهانی، اختیار تعویق تحقیق و تعقیب یک وضعیّت را دارد؛ این اختیار مطابق با قاعده اقتضاء تعقیب به دنبال راهکاری است که منافع صلح و امنیت بین‌المللی را بر منافع اجرای عدالت کیفری ترجیح دهد. دادستان دیوان در عملکرد خویش مستقل است، ولی تقریباً تمامی تصمیمات وی برای آغاز تحقیق و تعقیب یا توقّف آن، حتّی احضار یا جلب متّهم، تحت نظارت شعبه مقدماتی است. همچنین، صدور کیفرخواست از سوی وی موکول به تأیید دلایل و اتّهامات در یک رسیدگی کاملاً ترافیعی از سوی شعبه مقدماتی است.

مبانی حقوقی تعهدات دولت‌ها در همکاری با محاکم کیفری بین‌المللی به دو عامل منشاء حقوقی تشکیل محاکم و رابطه حقوقی دولت‌ها با محاکم بستگی دارد. در صورتی که مبناى حقوقی تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی، منبعث از قدرت الزام آور فراحاکمیتی باشد، در آن صورت کلیه دولت‌ها در برابر این محاکم دارای تعهد به همکاری بوده و متخلفین از این تعهد نیز در برابر همان قدرت فراحاکمیتی، دارای مسئولیت بین‌المللی می‌باشند. اساسنامه ICC به دلیل عدم بهره‌مندی از حمایت‌های قطعنامه‌های فصل هفت شورای امنیت، واجد رژیم همکاری افقی بوده و بر این اساس، تعهد همکاری با دیوان، منحصرًا معطوف به دولت‌های عضو و یا دولت‌های غیر عضوی که دارای موافقتنامه خاص همکاری با دیوان می‌باشند، بوده و تنها استثناء آن، موردی است که وضعیتی بر اساس بند b ماده ۱۳ اساسنامه، از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع شده و یا اینکه موضوع تعهد به همکاری، درارتباط با يك قاعده حقوق بین‌الملل عام باشد که در این صورت، وضعیت تعهد همکاری دولت‌ها، شبیه رژیم همکاری در ICTR و ICTY می‌گردد. فصل ۹ اساسنامه دیوان حاوی مقررات مربوط به همکاری

بین‌المللی و معاضدت قضائی دولت‌ها با دیوان بوده و با ذکر مقررات عمومی همکاری دولت‌ها در قالب مواد ۸۶ و ۸۷ آغاز گردیده است. نحوه مهندسی مواد ۸۶ و ۸۷ اساسنامه به عنوان اولین مواد فصل ۹ با هدف تحت پوشش قرار دادن سایر مقررات مربوط به همکاری طراحی گردیده است. بدین ترتیب در مواردی که برخی از مقررات فصل ۹ نظیر مقررات مربوط به تعهد به مشورت و تعهد به توافق که به روشنی، طرف صلاحیت دار جهت اتخاذ تصمیم در مشورت‌ها یا توافقات را مشخص نمی‌نمایند، با استفاده از مقررات ماده ۸۶ و ۸۷، می‌توان طرف صلاحیت دار جهت اخذ تصمیم نهائی را تعیین نمود. دولت‌های غیر عضو به دلیل عدم عهده دار بودن تعهدات قراردادی ناشی از اساسنامه، دارای تعهدی الزام آور در قبال همکاری با دیوان نمی‌باشند ولی در عین حال این امکان وجود دارد که دیوان بر اساس بنده ۵ ماده ۸۷، با این دولت‌ها وارد موافقتنامه‌های خاصی جهت همکاری گردد که در این صورت، این دولت‌ها بر اساس تعهدات ناشی از موافقتنامه‌های خاص، واجد تعهد به همکاری با دیوان خواهند بود. در این مورد نیز در صورت ارجاع وضعیتی از سوی شورای امنیت به دیوان، تمامی دولت‌ها (اعم از عضو یا غیر عضو) مکلف به همکاری دیوان بوده و این تعهد به همکاری در حقیقت بر اساس قطعنامه فصل هفت شورای امنیت ایجاد می‌گردد.

منابع و مآخذ

۱. آقایی جنت مکان، حسین، (۱۳۷۸)، نظارت قضایی بر تشخیص دادستان دیوان کیفری بین-المللی، مجله حقوق بین الملل، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۹.
۲. بابایی، علی حسن؛ توحیدی، احمدرضا؛ قیوم زاده خرائقی، محمود، (۱۳۹۹)، اقتضاء تعقیب در دیوان کیفری بین المللی در نگاهی تطبیقی با نظام های ملی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۸، شماره ۳۱.
۳. حبیب زاده، محمد جعفر و دیگران، (۱۳۸۴)، قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در حقوق کیفری بین المللی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه نامه حقوق.
۴. رمضانی، احمد؛ منصوری دهبید، عبدالرضا؛ عطاشنه، منصور، (۱۳۹۸)، نظارت قضایی بر تعقیب و تحقیق در دیوان کیفری بین المللی (ICC)، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و حقوق بین الملل، شماره ۴۷.
۵. صابر، محمود، (۱۳۹۴)، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم.
۶. غلامی، حسین، (۱۳۸۸)، دیباچه مترجم بر زهر، هوارد، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، انتشارات مجد، چاپ دوم.
۷. ممتاز، جمشید، رنجبریان، امیرحسین، (۱۳۸۷)، حقوق بین الملل بشردوستانه، مخصصات مسلحانه داخلی، تهران، نشر میزان.

۸. موسوی فرد، وحید؛ نیکنام، محمدرضا، (۱۳۹۵)، رویه دولت‌ها در همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، ۱۶ خرداد ۱۳۹۵، باتومی گرجستان.

۹. یوسفی، ایمان، (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، جلد اول.

۱۰. یوسفی، ایمان، یوسفی، سعید، (۱۴۰۱)، نظارت قضایی بر فرایند تأیید اتهامات؛ مدل‌های دادرسی ایرانی و دیوان کیفری بین‌المللی، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۱۰، شماره ۱۹.

- Ashworth, Andrew. The criminal process. New York: Oxford university press, ۲۰۲۰.

- Cryer, Rubert. (۲۰۱۹). International criminal law and procedure. Cambridge: Cambridge University Press.

- ICC, Statute, ۱۹۹۸.

- ICC. (۲۰۰۶). Pre –Trial Chamber I, Decision on the applications for participation in the Proceedings of VPRS ۱, VPRS ۲, VPRS ۳, VPRS ۴, VPRS ۵ and VPRS ۶, ICC- ۰۱/۰۴, ۱۷.۱, para. ۶۵.

- Kostoris, Roberto E. Handbook of European Criminal Procedure. New York: Springer Publishing, ۲۰۱۸.

- Kuczyńska, Hanna. The Accusation Model Before the International Criminal Court. New York: Springer Publishing, ۲۰۱۵.

- Lippman, Matthew. Criminal Procedure. New York: Sage Publications, ۲۰۱۱.

- Luna, Erick. “The Models of criminal Procedur.” Buffalo Criminal Law Review, ۱۰۴(۲۰۰۹): ۳۸۹-۵۳۵.

- Marty Delmas and Spenser J.R. European Criminal Procedures. Cambridge: Cambridge University Press, ۲۰۱۰.

- Prosecutor v. blaskic. (١٩٩٧). Case No.IT-٩٥-١٤-AR١٠٨ bis, Judgment the request of the Republic of Croatia for Review of the Decision of Trial Chamber II of ١٨ July ١٩٩٧, ٢٩ Oct. ١٩٩٧, Paras. ٤١ et seq.
- Stahn, Carsten and Nerlich, Volker. (٢٠٠٨). The International Criminal Court and Co-operation: Introductory Note, Leiden Journal of International Law, ٢١.
- Safferling, Christoph. Towards an International Criminal Procedure. Oxford: Oxford University Press, ٢٠٠٨.
- U.N. Doc. S/٢٥٧٠٤. (١٩٩٣). Report of the Secretary -General Pursuant to paragraph ٢ of Security Council Resolution ٨٠٨.
- United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court, A/CoNF.١٨٣/٢/ADD.١, ١٩٩٨, p ١٨٠.